

افزایش کودک آزاری و کار کودکان در ایران



کودک خیابانی در تهران:

گزینش رسمی نامگذاری روزی برای کودکان به سال ۱۹۵۴ باز می‌گردد. سازمان ملل در نهمین مجمع عمومی خود پیشنهاد ایالات متحده را که دو سال پیش ارائه شده بود به تصویب رساند و به کشورهای عضو توصیه کرد روزی را مطابق با سنت‌ها و اعتقادات خود به نام کودک بنامند. بسیاری از کشورها روزی در میانه‌ی تابستان را برای این منظور برگزیده‌اند، به این مناسب‌نگاهی می‌کنیم به وضعیت ایران که کودک آزاری و کار کودکان در سال‌های اخیر در آن افزایش داشته است. روز کودک در ایران هفدهم مهرماه جشن گرفته می‌شود.

سازمان بهداشتی گزارش می‌دهد در سال جاری تعداد کودکان خیابانی پیش‌دو برابر شده یونسف از سال ۲۰۰۲ میلادی برنامه‌های پنج‌ساله را آغاز کرد که شعار آن جهانی شایسته کودکان بود. سال گذشته عبارت جهان بدون خشونت به این شعار افزوده شد تا توجه به آزار کودکان و خشونت‌های جسمی و جنسی علیه آنان بیشتر جلب شود. یونسف حدود نیم قرن پیش کنوانسیون حقوق کودک را تدوین و به کشورهای عضو سازمان ملل ارائه کرد جمهوری اسلامی اسفند ماه ۱۳۷۲ به این بیان پیوست و شورای نگهبان و مجلس آن را به صورت مشروط تصویب کردند. ایران این حق را برای خود محفوظ نگه داشته که مفادی از این بیان را که با قوانین جاری کشور همخوان نیست رعایت نکند. از این مفاد یکی به آزادی

نسبت سال پیش از آن ۳ و نیم درصد افزایش داشته است.

این آمار با توجه به مراجعه به این انجمن تهیه شده و نمایانگر واقعیت و وضعیت کلی جامعه نیست. و گفته‌ی سعید مدنی یکی از کارشناسان آسیب‌های اجتماعی در مطالعه‌ای که در سال ۸۰ در تهران انجام شده ۳۱ درصد دانش‌آموزان راهنمایی به نوعی دچار آزار جنسی شده بودند. مطالعات مشابهی در شهرستان‌های دیگر از درصد بالاتری از انواع آزارها خبر می‌دهند. با این همه صاحب‌نظران معتقدند در کنار ملحضات فرهنگی و سنتی که مانع از گزارش همه موارد کودک آزاری می‌شود در ایران برنامه‌ای منظم و روشمند برای گزارش دهی و جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه وجود ندارد.

کودکان خیابانی:

بررسی‌ها نشان می‌دهد آزار در میان کودکان خیابانی و کار بسیار بیشتر است، و آمار روبه‌رشد این کودکان در ایران می‌تواند تاییدی بر افزایش کودک آزاری باشد. مدیرعامل انجمن حمایت از کودکان ۳۱ تیر ماه اعلام می‌کند در سال ۷۵ ده درصد از کودکان بین ۱۰ تا ۱۸ سال مشغول کار بوده‌اند اما مطابق آمار سال ۸۵ این تعداد به ۱۲ و ۷ دهم درصد رسیده که یک میلیون و ۶۶۰ هزار کودک را شامل می‌شود. فرساید یزدانی به ایسا می‌گوید با توجه به آمار جمعیت و تعداد دانش‌آموزان بیش از سه میلیون و ۶۰۰ هزار کودک خارج از چرخه‌ی تحصیل قرار دارند. تعداد کودکان کار و خیابانی دقیقاً مشخص نیست و نهادهای مسئول نه تنها آمار شکل‌های غیر دولتی را قبول ندارند که در مورد یکدیگر نیز تردید نشان می‌دهند.

سازمان بهداشتی گزارش می‌دهد در سال جاری تعداد کودکان خیابانی شناسایی شده در تهران به نسبت سال پیش دو برابر شده. حسن‌عماری معاون اداره‌ی کل آسیب‌های اجتماعی شهرداری تهران با اشاره به این که تا کنون حدود ۷ هزار کودک کار خیابانی در تهران است که ما نمی‌دانیم این آمار را بر چه اساسی به دست آورده‌اند.

کودکان کار:

یونسف فروردین امسال تعداد کودکان خیابانی در ایران را بین ۴۰۰ هزار تا یک میلیون نفر برآورد کرده است. مطابق آمار رسمی این تعداد در کل کشور از ۲۰۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کند. گذشته از تقابل مسئولان به کوچک‌نشان دادن ابعاد کار کودکان یکی از مشکلات مهم در این زمینه به ابهام در تعریف کودک و کار مربوط است. به گفته‌ی مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان در ایران بیش از ۹۰۰ هزار دختر خانه‌دار وجود دارند که با تعریف یونسف کودک محسوب می‌شوند. یزدانی می‌گوید با افزودن این تعداد به کودکان کار تعداد آنها از دو و نیم میلیون فراتر می‌رود.

دروغ‌های شاخدار احمدی نژاد در سازمان ملل احمدی نژاد از مبارزه با تبعیض داد سخن داد، در حالی که ایران از رهگذر خود کامگی علی‌خامنه‌ای و گماشتگان وی هم چون احمدی نژاد به کانون اصلی تبعیض دینی، جنسی، قومی و طبقاتی در جهان امروز تبدیل شده است. احمدی نژاد از آزادی دم زد در حالی که رژیم ایران انتقاد ساده احمد توکلی و قالیبافت را نیز تحمل نمی‌کند.

علی‌خامنه‌ای رهبر مادام‌العمر رژیم ایران دیروز از زبان محمود احمدی نژاد بزرگترین دروغها را از تریبون سازمان ملل به خورد افکار عمومی جهانیان داد.

احمدی نژاد با وقاحتی شگفت‌انگیز به جهانیان درس دفاع از آزادی، عدالت، برابری، رفع تبعیض و ایستادگی در برابر زورگویی داد. در حالی که تکیه خود او بر صندلی ریاست جمهوری رژیم ایران مصداق روشن آزادی‌کشی، تبعیض، نابرابری و زورگویی است. کدام ایرانی آگاهی است که نمی‌داند که ما در ایران نه جمهوری داریم و نه رئیس‌جمهور، بلکه خودکامه‌ای به نام علی‌خامنه‌ای همراه با ایادی خود که عمدتاً از نیروهای نظامی و امنیتی هستند بر ایران حکومت می‌کنند و به جای هفتاد میلیون ایرانی تصمیم می‌گیرند.

نمی‌دانم شنوندگان غیر ایرانی و بدون آگاهی کافی از اوضاع ایران از تکرار مداوم واژه‌های قشنگ آزادی، عدالت، صلح و دوستی و مبارزه با تبعیض در سخنرانی نیم‌ساعته احمدی نژاد چه قضایاتی درباره اوضاع کنونی ایران پیدا کردند، اما احتمالاً ایرانیان وقتی احمدی نژاد دم از آزادی می‌زد به این فکر می‌کردند که:

در ایران مردم از حق ساده آزادی‌ننگی بر پیشانی حاکمان رژیم که در زیر لوی اسلام دست به چنین اعمال شنیع و دور از انسانیت زده‌اند، دارد. مورد دیگری که در نظام ولی‌فقیه باعث سروصدای بسیاری در سطح جامعه بین المللی گشته است، اعدام جوانان ۱۸ سال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال می‌باشد. تا به‌حال سازمانهای مدافع حقوق بشر از مقامات و قوه قضائیه رژیم خواستار این شده‌اند که اجرای این احکام را ملغی کنند اما باین حال رژیم ایران هرگز این کار را نکرده و نمی‌کند. اجرای حکم سنگسار در نظام آخوندی نمونه دیگری از قساوت و سنگدلی حکام ایران می‌باشد. در مدت ۳۰ سال زمامداری آخوندها بارها شاهد اجرا و تکرار این قانون بوده‌ایم. قطع اعضای بدن، درآوردن چشم از حدقه، شلاق زدن در ملاعام و هتک حرمت نمونه‌های بسیار بارز و مروج در نظام آخوندی ایران می‌باشد. تحمیل زندانهای طولیل مدت برای فعالین اجتماعی و صنفی نیز نمونه

انتخابات نمایندگان راستین خود محروم اند؟ که جمهوری اسلامی با رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران مستقل کاری کرده است که مردم ایران برای اطلاع از اخبار روزمره ایران و جهان مطلقاً به رسانه‌های خارجی وابسته شده‌اند!

که در ایران همه نهادهای انتخابی زیر سلطه خامنه‌ای و ایادی او از محتوای خود تهی شده‌اند.

که به زودی دهمین سالگرد قتل‌های زنجیره‌ای است قتل‌هایی که به دست امثال احمدی نژاد صورت گرفت و سر‌آغاز سرکوب خشن جنبش نوین آزادخواهانه‌ای بود که در سال ۷۶ علیه استبداد سربلند کرد.

آن جنایات مقدمه سرکوبی سیاه در تاریخ ایران بود که پس از آن با قلع و قمع روزنامه‌های مستقل و روزنامه‌نگاران آزادخواه سرکوب وحشیانه دانشجویان و اعمال سانسور در همه عرصه‌ها و برگزاری ننگین انتخابات فرمایشی و نشاناندن احمدی نژاد بر کرسی ریاست جمهوری تکمیل شد.

احمدی نژاد در سخنرانی نیم‌ساعته خود بارها از عدالت و برابری دم زد در حالی که در ایران امروز ایرانی که در دوره سه ساله گذشته صدها میلیارد دلار درآمد ارزی از فروش نفت داشته در تب فقر و بیکاری و فساد و بیعدالتی می‌سوزد و نیمی از مردم آن در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

ایرانی که میلیونها زاغه‌نشین کارتن‌خواب و جوان بی‌کار و بی‌آینده آن از هرگونه حق و حقوقی محروم‌اند! و گل‌های سرسبد آن در کشورهای بیگانه در تبعید به سر می‌برند.

احمدی نژاد از مبارزه با تبعیض داد سخن داد در حالی که ایران از رهگذر خود کامگی علی‌خامنه‌ای و گماشتگان وی هم چون احمدی نژاد به‌کانون اصلی تبعیض دینی، جنسی، قومی و طبقاتی در جهان امروز تبدیل شده است. تبعیض علیه بهائیان، یهودیان، تبعیض علیه مسلمانان سنی مذهب و شیعیانی که برداشتی سوی برداشت رهبر معظم انقلاب دارند، تبعیض علیه زنان، تبعیض علیه دگراندیشان تبعیض علیه کردها و آیا به راستی در جهان امروز رژیمی را می‌توان نشان داد که در اعمال تبعیض بتواند با جمهوری اسلامی برابری کند؟

احمدی نژاد از صلح و دوستی سخن گفت در حالی که رژیم ایران با خواسته‌های مردم خویش از زنان، کارگران دانشجویان و روزنامه‌نگاران گرفته تا معلمان و استادان دانشگاه به‌جز با خشونت و سرکوب و ارباب‌پاسخ نمی‌گوید.

سخنرانی احمدی نژاد از تریبون سازمان ملل نمایش بی‌حیاتی رژیمی است که در بی‌پرنسیبی و عوامفریبی هیچ مرزی نمی‌شناسد. نمی‌داند مخاطبان غیر ایرانی و کم‌اطلاع از اوضاع ایران تا چه حد ممکن است فریب سخنان احمدی نژاد را بخورند؟

آیا جهانیان می‌دانند که در ایران رژیمی که تا دندان مسلح است و همه قدرت اقتصادی و تریبون‌های رسمی و رسانه‌های عمومی را در دست خود قبضه کرده حتی یک رسانه مستقل را ندارد و سالانه میلیونها دلار از ثروت ملی ایرانیان را خرج فیلترینگ شبکه‌های اینترنتی می‌کند؟

آیا جهانیان می‌دانند که این رژیم حتی تاب تحمل انتقاد ساده طرفداران پروریا قرص خود مثل احمد توکلی و قالیبافت را هم ندارد و سایت‌های اینترنتی همین افراد را نیز بر نمی‌تابد؟

آیا جهانیان می‌دانند که در ایران هیچ نهاد انتخابی به مفهوم واقعی کلمه وجود ندارد و هر چه هست نمایش فریب‌وسو استفاده از رای‌دهندگان به عنوان سیاهی لشکر استبداد است؟

آیا جهانیان می‌دانند که جمهوری اسلامی و همه نمایندگان ولایت فقیه از جمله احمدی نژاد سبیل تبعیض و دشمن‌خورده آزادی، عدالت و صلح و دوستی هستند؟ اگر کسی در جهان هست که این حقایق را نمی‌داند که بسیاری این همه گناه ما است.

سخنان و رفتار احمدی نژاد در سازمان ملل یک واقعیت تلخ نهفته بین‌المللی را نیز آشکار می‌کند و آن که تریبون سازمان ملل برای همه دولت‌ها به یک‌آزار دیپلماتیک و وسیله پیشبرد مقاصد تبدیل شده است که به گوهر با آرمانهای انسانی و صلح‌جویانه‌ای که سازمان ملل را پدید آورده در تناقض آشکاراند.

وقتی آمریکای جورج بوش به خود اجازه می‌دهد در ورای منشور سازمان ملل و حقوق بین‌المللی به عراق لشکر کشی کند، روسیه به خود اجازه دخالت نظامی در گرجستان می‌دهد، اسرائیل از دیرباز با دلگرمی از پشتیبانی بی‌قید و شرط آمریکا قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل را نقش بر آب می‌کند و این سازمان جهانی از ایفای هرگونه نقش موثری در دفاع از حقوق بشر و آزادی در عرصه بین‌المللی درمانده است، چرا نماینده یکی از زشت‌ترین حکومت‌های استبدادی جهان امروز نتواند از تریبون آن برای پیشبرد مقاصد خود بهره‌برداری کند؟ اگر آمریکا و روسیه و چین به ریش سازمان ملل می‌خندند چرا جمهوری اسلامی چنین نکند؟

قوانین و مجازات به اصطلاح اسلامی ایران و

جایگاه آن در سطح بین‌المللی

روحي و روانی در شرایط مناسب و سالمی نباشد، اگر فرد دچار بیماری اختلالات روانی بوده باشد، تحت درمان قرار گرفته و بعد از بهبودی کامل تحت مراقبت قرار گرفته و حکومت امتیازاتی را برای آن فرد در نظر گیرد.

حال اگر بر حکومت ضدبشری آخوندی و قوانین وحشیانه‌ای که در این نظام وضع گردیده‌اند نگاهی بیاندازیم و این مجموعه قوانین را با قوانین بین‌المللی تطبیق دهیم، می‌بینیم که در پایین‌ترین سطح استانداردهای بین‌المللی قرار دارند و با قوانین اسلامی مطابقتی ندارند. حال با نگاهی سریع و مختصر، به بررسی جزئی از این مجموعه قوانین می‌پردازیم. قانون مجازات اسلامی دارای ۴۰ ماده

زمانی که حضرت محمد(ص) در شبه جزیره عربستان به پیامبری برگزیده شد. در این شبه جزیره مردم در عقب افتادترین وضعیت بسر می‌بردند و لازم بود برای برقراری نظم یا قاطعیت برخورد شود، البته آن هم طبق قوانین خاصی که در چهارچوب یک سلسله قوانین اسلامی دقیق، تنظیم شده بود.

امروزه با پیشرفت جوامع در عرصه‌های مختلف در سطح بین‌المللی در موارد تنظیم قوانین مجازات قبل از هرچیز برروی کسانی که مطابق با هنجارهای اجتماعی رفتار نکند و مرتکب خلاف شوند، در ابتدا تحقیقات و آزمایشهای توسط روانکاوها و مددکاران اجتماعی صورت می‌گیرد تا مبادا فرد خاطی از لحاظ

از صدور این تجربه شکست خورده خود می‌رانند، همچنانکه مدتی قبل احمدی نژاد از تریبون مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای تکرار اراجیف و دروغهای همیشگی استفاده نمود.

جایگاه ایران در سطح بین‌المللی از جنبه حقوق بشر و آزادیهای اولیه در پایین‌ترین سطح در بین کشورها قرار دارد و نه‌تنها از لحاظ حقوق بشر بلکه در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی نیز با توجه به شرایط مساعد طبیعی و انسانی در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است.

بر کسی پوشیده نیست تا زمانی که این رژیم بر اریکه قدرت تکیه‌داده باشد امیدوی برای پایان یافتن مصائب نیست و تنها راه ممکن برای پایان بخشیدن به این مصیبتها سرنگون نمودن این رژیم قرون وسطایی با همکاری و اتحاد تک تک مردم ایران می‌باشد.
